



همان عدالتی است که یک عمر است از آن دم می‌زنند؟ اساساً شعار آشنای «ورزش از سیاست جداست» کجای این ماجرا قرار می‌گیرد؟ این چه شعاری است که در مجامع بین‌المللی ورزش، چهره‌های سرشناس از آن یاد می‌کنند و حتی فلسفه وجودی المپیک را در کنار آن و هم‌تراز با آن می‌دانند اما بر سر بزنگاه‌ها رنگ باخته و به وارونگی دچار می‌شود؟ جمله «پیوند ملت‌ها با ابزار ورزش ممکن می‌شود»، چه سختی با محرومیت‌های این روزهای ورزشکاران روس دارد؟

ضمن تاکید بر این موضوع که اشغالگری در هیچ نقطه‌ای از این کره خاکی قابل دفاع نبوده و اساساً جنگ خوشایند مردمان جهان با هر نژاد و رنگی نیست اما چرا تشکیلاتی چون فیفا یا کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) که درباره اشغال اوکراین فی الفور از خود واکنش نشان می‌دهند و با به راه انداختن یک جریان تبلیغاتی رای به محرومیت بخش‌های مختلف ورزش روسیه و ورزشکاران این کشور می‌دهند، در مواجهه با ۷۰ سال اشغالگری، کودک‌کشی و ظلم رژیم جنایتکار صهیونیستی، کمترین واکنشی را از خود نشان نداده‌اند و اتفاقاً در نقطه مقابل این ظلم و جنایت قرار گرفته و هرجا هم که از دست‌شان برآمده، به رودررویی با ورزشکارانی که برای همدردی با مردم مظلوم فلسطین اقدامی انجام داده‌اند یا حاضر به رویارویی با ورزشکاران آن رژیم جعلی نشده‌اند پرداخته‌اند. نمونه‌اش رشته ورزشی جودو کشورمان که چند سال است به همین علت با محرومیت از حضور در مسابقات بین‌المللی روبه‌رو شده است یا دیگر رشته‌های مدال آور و المپیکی کشورمان که با سخت‌ترین تهدیدها روبه‌رو هستند، آن هم به جرم ایستادن پای آرمان‌های‌شان. یک بام و دو هوای این نهاد‌های ورزشی، تنها به این مورد خلاصه نمی‌شود، آنها در قالب کنفدراسیون فوتبال آسیا نیز ضربه‌های آشکاری به فوتبال ایران زده‌اند. نمونه‌اش محرومیت باشگاه‌های ایرانی از میزبانی تیم‌های عربستانی و اماراتی به دلیل واهی نبود امنیت در ایران بود.

مثالی دیگر برای این رفتارهای متناقض و سیاسی فیفا، سفر رئیس آن به مناطق اشغالی بود. جیانی اینفانتینو در حالی چند ماه قبل راهی سرزمین‌های اشغالی شد که این اقدام وی خشم بسیاری از چهره‌های ورزشی را به دنبال داشت. آن روز، اشغالگری - آن هم از نوع ۷۰ ساله‌اش - برای آقایان مهم تلقی نمی‌شد؟ آن روز فیفا بار دیگر نشان داد به هیچ وجه معتقد به «جدایی ورزش از سیاست» نیست و تنها شعاری ابزاری است در خدمت لابی‌های پشت پرده صهیونیستی و... حال آن رفتارها و خوش‌رقصی‌های این نهادها برای اربابان‌شان را مقایسه کنید با بگیر و ببندهای این روزهای‌شان.

■ **ورزش بدون سیاست؛ شعاری که رنگ باخت**
اواخر سال ۱۴۰۰ کمیسیون اخلاق ورزش کشور با اشاره به همین تبعیض‌ها و به دنبال اقدام نظامی

روسیه علیه کشور اوکراین به کمیسیون اخلاق کمیته بین‌المللی المپیک و پارالمپیک نامه‌ای نوشت. در بخشی از آن نامه آمده است: «قطعاً حمایت از قربانیان جنگ و خشونت، امری اخلاقی و عملی پسندیده است، لیکن آنچه جای سوال دارد این است که چرا عدم رویارویی ورزشکاران بسیاری از کشورهای مسلمان و آزادی‌خواه با ورزشکاران اسرائیل در رویدادهای بین‌المللی ورزشی آن هم با هدف حمایت از مردم مظلوم فلسطین که سرزمین و خانه آنها سال‌هاست توسط یک دولت اشغال شده و مردم آن روزانه در یک جنگ نابرابر کشته و آواره می‌شوند نه تنها مورد حمایت قرار نمی‌گیرد، بلکه با تنبیه، محرومیت و تعلق مواجه می‌شود.»

در همین زمینه کمیسیون ورزشکاران روسیه هم در بیانیه‌ای اعلام کرد که این مجازات‌ها نقض آشکار حقوق ورزشکاران روسیه و بلاروس است. در این بیانیه آمده است: «اول از همه، ما این توصیه‌ها را تبعیض قومی می‌دانیم. متأسفانه این نشانه روشنی است که ورزش بین‌المللی در حال تبدیل شدن به ابزار بازی‌های سیاسی است. برای ما بدیهی است که همه تصمیمات تحت فشار شدید نیروهای خارج از کمیته گرفته شده است که از درک اصول یکپارچگی جنبش المپیک و عدم دخالت سیاست در ورزش دور هستند.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «در این شرایط، کمیسیون ورزشکاران روسیه از مقامات ورزشی بین‌المللی می‌خواهد که از سیاسی کردن ورزش و تصمیمات تبعیض‌آمیز در رابطه با ورزشکاران روس خودداری کنند و از حقوق برابر برای همه ورزشکاران برای شرکت در مسابقات اطمینان حاصل کنند.»

■ **بازتاب‌های بین‌المللی یک رسوایی**
بسیاری از چهره‌های ورزشی مطرح و باشگاه‌های بزرگ جهان نسبت به حمله روسیه به اوکراین واکنش‌هایی را نشان دادند و جملگی آنها بدون همراهی و هم‌نوازی با سیاسی‌سازی‌های نهاد‌های مدعی که خودشان تا خرخره آلوده به سیاست هستند - مثل فیفا و کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) - تنها تمنیات انسانی خود را که همان پایان یافتن این جنگ است به انحای مختلف نشان دادند که این اقدامات جای تقدیر و تحسین هم دارد اما در کنار این حمایت‌ها و خواسته‌ها، برخی نیز بودند که هوشیارانه‌تر نسبت به نگاه تبعیض‌آمیز نهاد‌های یاد شده واکنش نشان دادند. محمد ابوتریکه، بازیکن سابق تیم ملی مصر و کارشناس شبکه «beIN Sport» از نخستین چهره‌های معترض به سیاست‌های فیفا بود. وی از فیفا خواسته است تا از حضور تیم‌های وابسته به اسرائیل در مسابقات بین‌المللی جلوگیری کند. ابوتریکه در حساب شخصی خود در توئیتر خطاب به سران فیفا نوشت:

«تصمیم فیفا مبنی بر ممانعت از حضور باشگاه‌ها و تیم‌های ملی روسیه در تمام تورنمنت‌ها باید با محرومیت باشگاه‌ها و تیم‌های ملی وابسته به رژیم

صهیونیستی همراه شود، چون آنها هم سال‌هاست فلسطین را اشغال کرده و کودکان و زنان را می‌کشند ولی شما استاندارد دوگانه‌ای اتخاذ کرده‌اید...»

مدافع اسبق تیم ملی فوتبال انگلیس نیز به تصمیم یوفا و فیفا برای محروم کردن روسیه واکنش نشان داد. زاستن کالیمور، بازیکن اسبق تیم ملی انگلیس از این تصمیم انتقاد کرد و گفت: زمانی که آمریکا به طور غیرقانونی به عراق حمله کرد، ما کارگران آمریکایی را از بریتانیا بیرون نکردیم، پس چرا روس‌ها به دلیل محل تولدشان در روسیه از فرصت کار قانونی محروم شدند؟ اما اتفاق مهم دیگری حول این محور در زمین فوتبال و در لیگ دسته دو ترکیه رخ داد.

در خبرها آمده بود: بازیکنان تیم ارزروم اسپور در لیگ دسته دو فوتبال ترکیه پیش از بازی اخیرشان برابر تیم آنکارا گوجو با تی‌شرت‌هایی به میدان رفتند که روی آن نوشته شده بود: «جنگ را متوقف کنید». همه آنها جز کاپیتان تیم، ایکوت دمیر این تی‌شرت را به تن داشتند. این بازیکن درباره اینکه چرا حاضر به تبلیغ علیه جنگ روسیه و اوکراین نشده است، گفت: هر روز هزاران نفر در خاورمیانه قربانی می‌شوند. من هم بابت جنگ متأسفم و بابت درد و رنجی که به مردم بی‌گناه تحمیل می‌شود ناراحت‌ام اما داستان این است همان‌هایی که مرگ مردم خاورمیانه را نادیده می‌گرفتند، حالا که جنگی در اروپا به راه افتاده، اینگونه دارند علیه آن تبلیغ می‌کنند. من دوست ندارم این تی‌شرت را بپوشم، چون که نظیر چنین پیراهنی برای محکومیت جنگ علیه کشورهای خاورمیانه پوشیده نشد.

■ **ورزش در خدمت لابی‌های ضد حقوق بشری**
تمام اتفاقات هفته‌های اخیر پیرامون جنگ روسیه و اوکراین، بویژه اتفاقاتی که در دایره ورزش شاهد آنها بوده‌ایم موبد این مساله است که ورزش جهان و مراجعی که با عنوان نهاد بین‌المللی برای این حوزه تصمیم‌گیری می‌کنند، بر خلاف شکل و قیافه‌ای که از خود ساخته‌اند و وراي شعارهای بشردوستانه‌ای که سر می‌دهند، نیاتی ضد حقوق بشری را دنبال می‌کنند و آن دموکراسی‌ای که دم از آن می‌زنند تنها زمان‌هایی کاربرد دارد که منافع لابی‌های پشت‌پرده را تامین کند. ورزش ایران نیز طی یک دهه اخیر تازانه‌های این تفکرات بسته و ضد ارزشی و ورزشی را بارها بر بیکر خود احساس کرده است. ورزشکاران مطرحی از کشورمان به دلیل عدم رویارویی با نمایندگان رژیم صهیونیستی با شدیدترین تهدیدها روبه‌رو شده‌اند و برای این نوع برخورد همواره جمله رنگ و رو رفته «جدایی ورزش از سیاست» را خوانده و شنیده‌ایم که البته برخی در داخل ورزش ایران نیز تحت تاثیر آن، مواضعی را اتخاذ کرده‌اند اما امروز بهتر و روشن‌تر از هر زمان دیگری می‌بینیم که آن شعار زیبا برای تصمیم‌سازان ورزش دنیا زمان‌هایی کارساز دارد که منافع خط‌دهندگان و جریان‌سازان نشسته در اتاق‌های فکر فیفا، یوفا، ای‌اف‌سی، کمیته بین‌المللی المپیک و... ایجاب کند.



بسیاری از چهره‌های ورزشی مطرح و باشگاه‌های بزرگ جهان نسبت به حمله روسیه به اوکراین واکنش‌هایی را نشان دادند و جملگی آنها بدون همراهی و هم‌نوازی با سیاسی‌سازی‌های نهاد‌های مدعی که خودشان تا خرخره آلوده به سیاست هستند - مثل فیفا و کمیته بین‌المللی المپیک - تنها تمنیات انسانی خود را که همان پایان یافتن این جنگ است به انحای مختلف نشان دادند که این اقدامات جای تقدیر و تحسین هم دارد اما در کنار این حمایت‌ها و خواسته‌ها، برخی نیز بودند که هوشیارانه‌تر نسبت به نگاه تبعیض‌آمیز نهاد‌های یاد شده واکنش نشان دادند

